

کارکردهای مذهبی - اجتماعی بازار در مصر عصر والیان تا برآمدن فاطمیان

محمد محمدپور*

فاطمه جان احمدی**

چکیده

بازار به عنوان رکن اقتصادی نظام شهری قدمتی طولانی در تمدن مصری دارد. حضور والیان مسلمان در چند سده نخست در مصر بر تغییر وضعیت بازارها و حتی شکل اقتصادی آنها تاثیر گذاشت. دغدغه اصلی این پژوهش یافتن پاسخ این پرسش اساسی که کارکردهای اجتماعی - مذهبی بازارهای مصراسلامی در عصر والیان مسلمان چه بوده است؟ جست و جوی کتابخانه‌ای و مطالعه منابع مکتوب متکی بر شیوه مطالعات تاریخی یعنی روش توصیفی و تحلیلی متکی بر استنتاج و قیاس نشان داد که توسعه موقعیت مکانی فضای شکل گیری بازارها به مثابه رکن مهم حیات اجتماعی و تمدنی در مصر، زمینه مساعدی را برای برگزاری و گسترش آیین‌های ملی و مذهبی فراهم آورده است. برپایی بازارهای مهم در مجاورت مسجد بویژه مساجد جامع موجب پیوستاری اقتصاد و دین شده است. مجموعه درهم تنیده از کارکردهای دینی در بازارهای مصر در انعقاد مجلس قرآن خوانی و حفظ آن و یا برگزاری نماز جمعه و نیز تاسیس نهادهای اقتصادی چون حسبه به عنوان تنظیم کننده کنش های اقتصادی بازار و همچنین شکل گیری اصناف و تشکیلات صنفی درون بازار و پیشه های تخصصی بدرستی متجلی است. علاوه بر این نقش فضای گسترده بازار در ایجاد اجتماعات عظیم مردمی علیه حاکمیت سیاسی و نیز حضور بازاریان در شورش های اجتماعی به علت فشارهای مالی والیان از دیگر سو انعکاس دهنده نقش های اجتماعی بازار و بازاریان در جامعه مصر عصر والیان بود.

کلیدواژه‌ها: بازار، مصر، مشاغل و اصناف، کارکرد اجتماعی - کارکرد مذهبی.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، m.mohammadpoor@modares.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، f.janahmadi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۵

۱. مقدمه

بازار همواره به مثابه قلب تپنده حیات اقتصادی در شهر است. وجود شهرهای پر شمار کنار ساحل نیل نشان از حیات اجتماعی و زندگی تمدنی دیرینه در مصر دارد. وجود بازارها و باراندازهای کهن حکایت از قدمت رشد حیات شهر و شهرنشینی در مصر و گسترش تجارت و بازرگانی در آن سرزمین دارد. بی تردید آنچه موجبات افزونی اهمیت اقتصادی مصر را فراهم آورده است، موقعیت ژئوپولیتیکی سرزمین آن است. قرار گرفتن بر ساحل مدیترانه (بحر المتوسط) و نیل از یکسو، عبور راههای ارتباطی و یا منتهی شدن مسیرهای تجاری به مصر بر اهمیت اقتصادی آن افزوده است. علاوه بر این شهرت تنوع تولیدات کشاورزی و صنعتی شهرهای برنهاد بر ساحل نیل و نیز مجاورت این سرزمین با تمدنهای کهن آن روزگار چون شامات، روم، مغرب و حجاز و سرانجام انواع بازارهای دائمی و فصلی مصری متناسب با هم جواری با مدیترانه‌سرایان سرآمدهای اقتصادی مصر بسیار مؤثر بوده است. (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۸۰-۸۵)

ورود اسلام به مصر توسط عربهای مسلمانان سال ۱۷هـ.ق به بعد، بشدت بر فضای شکل گیری، تنوع بازارها و حتی شیوه های تعاملات اقتصادی و کارکردهای اجتماعی بازار تاثیر نهاد و اوضاع اقتصادی مصر را به عنوان مدخل ورود به مغرب اسلامی و به تبع آن اندلس تغییر داد. مورخان مسلمان تحقیقات زیادی را درباره تاریخ سیاسی و اقتصادی مصر در دوره قرون نخستین به شیوه توصیفی انجام داده اند. اما این تحقیقات از توجه ویژه و خاص به کارکرد نهادی مهم شهری در مصر از جمله بازار غافل مانده اند. از این رو محور این پژوهش کاری فراتر از تحقیقات صورت گرفته است بطوریکه سعی در ارائه کارکرد نویینی از بازار در مصر در قالب اجتماعی و مذهبی در از ورود اسلام تا برآمدن فاطمیان است.

۲. اهداف طرح، سؤالات و فرضیه تحقیق

براساس ضرورت مطالعه تاریخی وضعیت بازارهای مصر به لحاظ کارکردهای اجتماعی و مذهبی سوال اصلی پژوهش پیش رو مبتنی است بر اینکه: کارکردهای اجتماعی - مذهبی بازار در مصر قرون نخستین اسلامی چه بوده است؟ یافت پاسخ این پرسش اساسی می تواند زمینه های مطالعات عمیق و جامع بعدی درباره نقش بازارهای مصری در تحولات

اجتماعی مصر را فراهم نماید. فرضیه ای که در این باره مطرح می شود این است که گستردگی موقعیت مکانی فضای شکل گیری بازارها باعث استفاده از این فضا برای آیین های ملی و مذهبی و مجلس قرآن خوانی شده بود و همچنین مجاورت بازار و مسجد نیز مهم ترین کارکرد اجتماعی - مذهبی را در برگزاری نماز جمعه در فضای بازار به نمایش گذاشته بود و در کنار این کارکردها نقش فضای گسترده بازار در ایجاد اجتماعات عظیم مردمی علیه حاکمیت و نیز حضور بازاریان در شورش های اجتماعی به علت فشار مالی والیان از دیگر نقش های اجتماعی بازار و بازاریانحکایت داشت.

۳. پیشینه تحقیق

هرچند مطالعات مقدماتی جهت پیشینه یابی موضوع این مقاله نشان داد که تحقیقی مستقل در این خصوص صورت نگرفته است لیکن برخی مطالعات کلی درباره ی وضعیت اقتصادی مصر وجود دارد که با وجود این که هیچ یک به معنای اصیل پیشینه تحقیق محسوب نمی شوند اما تصویری کلی از وضعیت اقتصادی مصر در عصر والیان می توانند ارائه دهند. برخی نیز چون ابراهیم ایوب ذیل تاریخ اجتماعی فاطمیان تصویری کلی از بازارهای قاهره ارائه داده است. (رزق الله ایوب: ۱۹۹۷) این درحالی است که مطالعات تاریخی پراکنده ای نیز مبتنی بر موضوع اقتصادی متمرکز بر بازار در عصر صلیبیان و یا عصر فاطمیان موجود است که به دلیل بازه زمانی پیشینه تحقیق حاضر محسوب نمی شوند اما می توانند تصویری از تداوم و تحول بازار را به عنوان نهادی دیرینه در مصر ارائه دهند. باتوجه به مطالب فوق می توان گفت این پژوهش نخستین تحقیق در مورد کارکردهای اجتماعی و مذهبی بازارهای مصر از ورود اسلام تا برآمدن فاطمیان است که با رویکرد محققانه، تمام ویژگیهای آن را به همراه پیامدهای آن در دوره زمانی خاص ذکر کرده است. این پژوهش نیز هم چون همه پژوهش های تاریخی متکی بر دو رکن توصیف مبتنی بر منابع و تحلیل متکی بر استنتاج و قیاس بنا شده و گردآوری مطالب هم مبتنی بر منابع تاریخی و کتابخانه است.

۴. بازار و کارکردهای مذهبی آن در مصر اسلامی پیشا فاطمیان

بازار موضوعی نو پدیدار در مصر اسلامی نبود و بی شک از مستحدثات مسلمانان هم بشمار نمی آید، دانسته است که آوازه مصر باستان در منابع متقدم ضمن تاکید بر حیات شهری و شاکله تمدنی آن، همواره به دلیل وجود بازار و باراندازهای مشهور در برخی شهرهای آن بوده است. (مسعودی، ۱۹۶۵: ۱۰۳/۱. بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۶۱)

ساخت بازار کنار میادین اصلی شهر یا در کنار دروازه های شهر همجوار با کاروانسراها و یا در ربض امری معمول بشمار می آمده است. تاسیس و برپایی بازار در فضاهای پرتردد و یا در منتهی الیه و یا ملتقی شاهراههای تجاری هم به وفور در منابع گزارش شده است. اما ویژگی های ممتاز ساخت شهر های جدید اسلامی برپایی ارگ حکومتی یا همان دارالاماره در مقابل مسجد به عنوان هماسانی دو نهاد قدرت دنیوی و اخروی بود که با اضافه شدن تاسیسات اقتصادی بنام بازار با همه مضافت آن در کنار هر دو نهاد شکل شهر اسلامی کامل و ممتاز شد. شهرهای نوینیا مسلمانان در مصر هم چون فسطاط نیز از این ویژگی ها مستثنی نبود. هر چند گذشت زمان و الزام توسعه بنیادهای شهری در فسطاط بر شکل بازارها تاثیر می گذاشت، اما آنچه مسلم است میراث تمدنی مصر و تجربه تجار در شکل گیری و گسترش فعالیت های اقتصادی متکی بر طبقات اجتماعی درون بازارها موثر بوده است. حضور طبقات مختلف هم چون تجار، پیشه وران، دستفروشان در کنار نهاد برجسته ی علم یعنی مساجد جامع چون مسجد جامع عمرو بن عاص (عبدالله السلومی، ۱۴۰۵: ۳۷۷) موجب شد تا طبقه ای جدید به نام عالمان تاجر در مصر شکل گیرند. دستجات مختلف اجتماعی بانضمام دانشمندان تاجر در شکل گیری نهادهای اقتصادی-دینی و نیز ایجاد تشکیلات صنفی بازار نقش مهمی ایفا کردند. بی تردید پیوستاری دو نهاد بازار و مسجد در مجاورت یکدیگر می توانست به کارکردهای اجتماعی-مذهبی در فضای اقتصادی بازار منجر شود. چنانکه در ایام و مراسم خاص مانند نماز جمعه بازاریان با بستن دکان ها و تعطیلی موقت فضای کسب و کار، فضای دینی و مذهبی بازار را برای اجتماع عظیم نماز گزاران و انجام فریضه نماز آماده می کردند. علاوه بر این به دلیل مجاورت بازار به مثابه قطب اقتصادی با مسجد جامع شهر محل تجمع عالمان و تاجران و یا مصرف کنندگان مایحتاج های عمومی این مکان بهترین عرصه حضور اجتماعی طبقات مختلف بود که می توانست فرصتی را برای برگزاری جلسات قرآن خوانی و یا فرادهی و فراگیری قرآن کریم توسط قاریان و حافظان فراهم نماید.

هرچند مطابق گزارش های منابع فعالیت های علمی معلمان و یا فراگیران تنها به این بسنده نبود بلکه به نظر می رسد رونق اقتصادی با ساخت "بردی" یا "قرطاس" یا همان کاغذ های برساخته مصریان به عنوان نسل جدیدی از پاپیروس به بالاگرفتن تب و تب علم اندوزی در کنار بازار افزود(بلاذری، ۱۸۶۶: ۲۴۰) و همینرونق بخشی اقتصادی خود بازارهای تخصصی چون بازار وراقان و یا تذهیب کاران را در فسطاط نخستین شهر و پایتخت مسلمانان رونق می بخشید. شکل گیری این نوع بازارهای تخصصی و نیز افزایش تنوع پیشه های اقتصادی متناسب با تنوع فعالیت های تجاری موجب شد تا بازارهای مصر بویژه اسکندریه و فسطاط به عنوان رکن اقتصادی جایگاه خود را حفظ و در موارد بسیار ارتقاء دهد. (ابن تغری بردی، بی تا، ۳۴۰/۱) بی تردید در کنار این کارکردهای اقتصادی هرگز نبایستی نقش اجتماعی بازار را در تحولات سیاسی مصر نیز نادیده گرفت. برپایی شورش های اجتماعی متکی بر اقتصاد و یا مشارکت بازاریان مساله ای است که از دید بسیاری از محققان بدور مانده است. لیکن دانسته است که زیاده خواهی والیان و افزودن مالیات های نامتعارف بر تجار و بازار و یا سخت گیری در اخذ مالیات از هرگونه فعالیت اقتصادی و همچنین شدت گرفتن تعرفه های گمرکی هم چون عشور و مکوسزمینه های بروز شورش های مقطعی را در برخی شهرهای مهم مصر پدید آورد.

درگیر شدن اصناف، تجار و بازاریان در بحران های سیاسی متأثر از سیاست های اقتصادی سخت گیرانه ی والیان و حکمرانان مصر و بروز ناآرامی های مختلف و متعددی در فسطاط و یا اسکندریه و شهرهای اقماری و دیگر مراکز مهم اقتصادی و کانون های تجاری چون فیوم، تنیس، اخمیم و حتی جیزه بر این انگیزه می افزود که می بایست تحقیقی کلی درباره کارکردهای اجتماعی و مذهبی بازارهای در مصر قرون نخستین صورت گیرد.

بنابراین مقاله پیش رو تلاشی است علمی که با دو رویکردی توصیفی تحلیلی متکی بر منابع اصیل تاریخی سامان گرفته تا به پاسخ پرسش های پژوهش نائل آید.

۵. تأثیر موقعیت مکانی بازار بر کارکردهای آن در مصر اسلامی

همواره جغرافیای طبیعی و حتی اقتصادی بر کارکردهای بازار تأثیر می گذارد و در بسیاری موارد نه تنها بر شکل بلکه بر محتوا و کارکرد بازار هم موثر بوده است. موقعیت مکانی همواره عنصر ثابتی است که در همه ابعاد بر فضای بازار اعم از کارکرد های اقتصادی،

اجتماعی و مذهبی و حتی مناسبات فرهنگی و اجتماعی تاثیر می گذارد. زیرا بازارها عموماً به دلیل برآمدن از متن اجتماع و برآوردن نیازهای اقتصادی منبعت از نیازهای اجتماعی مظهر فرهنگ عمومی جامعه هم بشمار می آیند.

یکی از مهمترین عناصر متأثر از موقعیت مکانی فرهنگ است. زیرا اگر فرهنگ را آداب و رسوم، آیین و اعتقادات و بطورکلی همه دست مایه های معنوی بشر بدانیم، می توان نمود و مظاهر عمومی آن را بدرستی در بازارها به عنوان کانون التقای مکان (جغرافیا) و زمان (عصر) جستجو کرد. دانسته است بازار به عنوان کانون تجمع عامه و خاصه در طول زمان محل رد و بدل شدن خرده فرهنگ ها و یا قوام یافتن فرهنگ های عمومی جوامع انسانی بوده است. به عبارتی بازارها آینه تمام نمای رفتارهای اجتماعی و محل شکل گیری تعاملات فرهنگی در ظرف مکان هستند. بدین ترتیب پذیرفتنی است اگر مطابق گزارش های تاریخی منابع متقدم بتوان بازارهای مسلمانان را که عمدتاً در کنار شهرها کاروانسراها و حتی مساجد برپا می شدند؛ محلی مناسب و فوق العاده به دلیل تجمع مخاطبان و مشتریان و عرضه کنندگان برای برگزاری اعیاد، جشنواره ها و یا سوگواره ها و نیز مراسم ملی و مذهبی دانست (جاحظ، ۱۳۸۵: ۱۰۵/۲) براساس شکل گیری همین فضای اقتصادی فعال با ترکیب فرهنگی غنی، مقدسی به عنوان جغرافی نگار اجتماعی تصویری کلی از بازارهای مصر با رویکرد توصیفی ارائه داده است. وی در کنار فعالیت های تجاری و اقتصادی بازارها کوشید تا تعاملات مذهبی را نیز در آن ها تصویر نماید. برخی از منابع متقدم گزارش های موجزی از برگزاری مجلس قرآن آموزی (فراگیری و فراگیری قرآن کریم) و یا مجالس قرآن خوانی و حفظ آن در برخی از بازارهای مصر ارائه کرده اند. (مقدسی، ۱۴۱۱: ۲۱۰) تاثیر دیگر موقعیت مکانی بر فعالیتهای بازار ساخت این سازه اقتصادی در کنار مساجد بویژه مساجد جامع است همین اقدام مبین تاکید شهرسازان مسلمان در پاسداشت شریعت و دین در کنار کنش های اقتصادی بازار و اهمیت به معاش مردم است. شاید بتوان اصلی ترین مظهر پاسداشت آداب مسلمانی در برپایی نماز ظهر جمعه و بسته شدن دکانها و درب مغازه ها و تعطیلی موقت بازار و اهمیت به برپایی این فریضه مهم سیاسی و عبادی مطابق آیات الهی دانست و همین عملکرد اجتماعی و اقتصادی بازار را تائید موقعیت مکانی بازار و مسجد دانست. اجتماعات عظیم نماز گزاران جمعه و یا نمازهای جماعت بازاریان و تجار به عنوان عرضه کنندگان در کنار توده های مصرف کننده و یا تولیدکنندگان و صنعتکاران نه تنها در بازار بزرگ فسطاط بلکه در عمده شهرهای مصر مانند عین شمس،

قوص، فیوم، قرافه، بهنساء و تنیس که در مجاورت مساجد جامع و سایر مساجد قرار داشتند گزارش شده است. (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۹۳-۲۱۵)

در مطالعه فضاهای شهری و بررسی موقع جغرافیایی بازارها نزدیکی بازار به کهنه‌دژ و یا ساخت آن در ربض و حتی درهای ورودی شهرهای بزرگ هم گزارش های مفصلی در دست است. (مسعودی، ۱۹۶۵: ۱۰/۱) از آنجا که بازارهای درون شهری در راسته اصلی شهر از کهنه‌دژ شروع می شدند و با پشت سر گذاشتن شارستان تا مجاورت دروازه های شهر یعنی ربض امتداد می یافتند و فضای بزرگ و طولی از شهر را به خود اختصاص می دادند. این بازارها به هنگام برگزاری مراسم و یا مظاهر عبادی چون نماز جماعت اجتماعات عظیمی را در خود جای می دادند که به لحاظ اجتماعی بسیار مهم جلوه می کرده است. گزارش مقدسی از اجتماع عظیم نمازگزاران پس از اتمام نماز در سطح بازار و پیر شدن شهر از جمعیت و ازدحام آنان تایید براین مدعا است. (مقدسی، ۱۴۱۱: ۲۰۲)

این کثرت جمعیت چه به دلیل اقتصادی یعنی وجود بازار و چه به دلیل مذهبی یعنی وجود مسجد موجب شد تا همواره امیران و یا حکمرانان شهری در پی گسترش شهر و یا توسعه بازارها باشند. چنانکه عمرو بن عاصو یا در دوره طولونیان گسترش شهرها و توسعه فضای بازارها متکی بر کارکرد پیش گفته اقتصادی - مذهبی با ایجاد منطقه جدید قطایع در قسمت فوقانی شهر، فضایی که برای ایجاد بازارهای جدید این منطقه به وجود آمد در بین دو مسجد جامع بود، یعنی مسجد جامع عمرو بن عاص در قسمت سفالنی شهر و مسجد جامعی که احمد بن طولون در قسمت فوقانی شهر ساخته بود. (مقدسی، ۱۴۱۱: ۲۰۲) این مسیر پرتددترین مسیر شهر در دوره طولونیان بود. فضای دیگری که برای ساخت بازارها در مصر در نظر گرفته شده بود در کنار مکانهای شگفت انگیز و دیدنی شهرها بود. بطوریکه یکی از بازارهای معروف اسکندریه از قدیم الایام در مقابل اثر دیدنی گنبد سبز رنگ با پایه های سنگ مرمر در کنار شرقی دریای مدیترانه پدید آمده بود و اجتماعات عظیمی در این مکان به وجود می آمد. (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۸-۱۳۶) بنای برخی از بازارها در مجاورت سواحل دریاها نیز به علت رفت و آمد تجار با کشتی های تجاری فضای مناسبی را برای اجتماعات مردمی به شمار می آورد. بطوریکه بازار معروف شهر بهنسا در کنار دریاچه فیوم از نمونه این بازارها به شمار می رفت. (ابوالفداء، ۱۳۹۲: ۱۵۷)

۶. رشد و گسترش اصناف

فتح مصر توسط مسلمین این سرزمین را زیر پرچم جهان اسلام قرار داد و روابط تجاری مصر را با سایر سرزمین های اسلامی گسترش داد و تردد تجار از سرزمین های اسلامی مثل حجاز و شامات را در بازارهای این منطقه سهل کرد. و از این طریق طبقه تجار مرفه تر شدند. بطوریکه حتی عالمان دینی نیز به تجارت روی آورده بودند. (مقریزی، بیتا: ۱، ۲۰-۳۱۷) از طرف دیگر رونق تولیدات اقتصادی، سبب گسترش فعالیت تجاری طبقات پیشه وران و دست فروشان و از همه مهم تر توسعه نهاد صرافی را در بازار فراهم آورد. و نتیجه این امر شکل گیری طبقات اجتماعی درون بازاری بود که به شکل صنف های گونه گون در بازار ظاهر شدند. و هرکدام از این اصناف در گوشه ای از بازار به فعالیت صنفی می پرداختند. و چنان رسمیت یافته بودند که در مواقع اضطرار از موقعیت خود در برابر حکومت دفاع می کردند.

۱،۶ تجار

یکی از طبقات مهم اجتماعی در بازار تجار بودند. آنها با استقرار در بخش بزرگی از بازار منطقه وسیعی را اشغال میکردند و به دو گروه تقسیم می شدند. تجار مقیم و تجار غیر مقیم، تجار مقیم شهرها در بهترین قسمت بازار ساکن می شدند. واسطه بین بازار و تجارت بین المللی به عهده این طبقه از تجار بود. و مازاد محصولات تولیدی تولیدکنندگان را خریداری و برای مصرف کنندگان عرضه می کردند. و از طرف دیگر مازاد کالاهای تولیدکنندگان بازارهای مصر را به اقصى نقاط جهان حمل می کردند. بنابراین فعالیت های اقتصادی این طبقه از تجار باعث انسجام قدرت آنها به عنوان یک طبقه مطرح در بازار شده بود. طبقه بازرگانان شهر قلم از مستحکم ترین اصناف درون بازاری بودند. که به علت در دست داشتن تجارت بین المللی با مناطقی مانند چین و هند و یمن بسیار مرفه شده بودند. و به علت داشتن پشتوانه قوی مالی اعمال قدرت بیشتری در فعالیت صنفی ایفا می کردند. (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۱۵۳) طبقه تجار غیر مقیم از دیگر گروههای زبده در بازارها به شمار می رفتند. آنها اسکانهای موقت در درون بازارها داشتند و ثروت و قدرت آنها به علت سفرهای برون مرزی در حال افزایش بود. به منظور تجارت و بازرگانی به کلیه سرزمین های تجاری از جمله مصر رفت و آمد می کردند. بنابراین اسکان دائمی در شهرها نداشتند به همین علت ثروت کسب شده توسط آنها از تجار مقیم شهرها بیشتر بود. این

تجار حضور مکرر در بازارهای مصر داشتند. مثلاً در شهر عیذاب تجاری از ملیت های حجازی و یمنی حضور داشتند و کالاهای تجاری مصر مانند عاج و طلا را به یمن و حجاز و سایر نقاط جهان منتقل می کردند. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۷۳) یهود رازانی از دیگر طبقات مهم تجار غیر مقیم بازارها به شمار می رفتند. در شهر فرما نیز که به مثابه بارانداز تجاری غرب و شرق بود. یهود رازانی از مغرب بردگان و کنیزان و غلامان و پارچه های ابریشمی را با کشتی به این شهر آورده می شود و از آنجا به شهر قلمز هدایت می کردند. و از چین نیز مشک و عود و کافور و دارچین از طریق قلمز به شهر فرما انتقال، و از آنجا به سوی سرزمین های کنار دریای مدیترانه حمل می کردند (یعقوبی، ۱۴۲۲، ۱۵۴).

۲,۶ عالمان تاجر

گروه دیگری از طبقات تجار در بازار عالمان تاجر بودند که به صورت مقیم و غیرمقیم در بازار ساکن بودند. بطوریکه در گزارش مقریزی از سفر یک عالم دینی به نام ابراهیم بن السری بن سهل که برای استماع حدیث در سال ۳۱۱ق به مصر آمده بود. روایت شده است که او محصولات را که از بغداد با خورد آورده بود در بازار پاره فروشان در تنیس به فروش رساند. (مقریزی، بیتا: ۱، ۳۱۷-۲۰) و محمد بن یزید الواسطی نمونه دیگری از عالمان دینی بود که برای امر تجارت و بازرگانی به شهرهای مختلف مصر از جمله بهنسا که مرکز کتان مصر بود رفت و آمد می کرد و از این راه سود کثیری را کسب کرده بود. (ابن دایه، ۱۳۵۹: ۶۰-۶۵) مهم ترین بازاری که طبقه عالمان تاجر در آنجا حضور داشتند و به فعالیت صنفی می پرداختند بازار خداپرستان در منطقه ای به نام قرافه بود و مجالس قاریان در فضای این بازار شکل می گرفت. (مقدسی، ۱۴۱۱، ۲۱۰).

۳,۶ پیشه‌وران

پیشه وران از دیگر اصناف حاضر در بازارهای مصر به شمار می رفتند این گروه از طبقات بازار متولی تولید کالاهای مختلف بود. و گستردگی اصناف گونه گون در بازارهای مصر باعث افزایش فعالیت های صنفی پیشه وران شده بود. گستردگی فضای بازاری شهر فسطاط دامنه وسیعی برای فعالیت اصناف مختلف فراهم آورده بود. پیشه وران این بازار در کسوت چوب بری، شیرینی فروشی، بزازی، قصابی، (مقریزی، بیتا: ۸۷ و ۸۸ و ۱۲۲) به فعالیت

می‌پرداختند. تولید و توزیع پارچه در مناطق مختلف مصر باعث شکل‌گیری اصناف مربوط به این نوع از کالا در بازارهای مصر شده بود بطوریکه صنف پارچه فروشان در بازار شهر تنیس فعالیت گسترده‌ای داشت. و همچنین بازار شهر اهناس نیز محل اسکان اصناف مربوط به کتان و پارچه بود. (قبادیانی، ۱۳۸۱: ۵۱-۵۵. ابن زولاق، بی تا: ۶۱) در قلزم روغن فروشان در مکانهایی مخصوص به خود در فضای بازار گسترش یافته بودند. (مقدسی، ۱۴۱۱، ۱۹۷).

۴,۶ دست‌فروشان

در ساخت عمومی بازار و در لایه‌های اقتصادی آن گروه‌های غیر رسمی و طبقات فرودستی شناخته شده هستند که در کسوت خرده فروشان در بخش‌های مختلف بازار به صورت موقت اسکان یافته‌اند و به عرضه محصولات خود مشغولند. مطابق گزارش منابع در بازارهای فسطاط دستفروشان مختلف به عرضه محصولات مشغول بوده‌اند. مطابق اظهارات ابن تغریبری بردی در این بازار محلی برای پرنده فروشان در نظر گرفته شده بود (ابن تغریبری، بی تا، ۳۴۰/۱) در بازار شهر اسکندریه نیز دست‌فروشان فعالیت گسترده‌ای داشتند. محصولات فراوانی چون انواع سبزیجات و باقلا در این شهر عرضه می‌شد و همین تازگی محصول و گاهی ارزانی آن موجب رونق خرید و فروش در این بازارها می‌شد. گاهی اهمیت حضور این خرده فروشان شبه دلال و گاهی به شکل عرضه مستقیم کالا، موجب شده است تا در گزارش‌های مورخان جغرافی نگار اطلاعات درخوری درج گردد. این اهمیت در مکاتبات سیاسی هم منعکس شده است چنانکه به هنگام فتح مصر عمروبن عاص در نامه‌ای که خطاب به عمر بن خطاب خلیفه دوم مسلمانان نوشته شد، توصیفی از شهر اسکندریه و فعالان اقتصادی صنف سبزی فروشان و باقلا فروشان نیز آمده است. (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰، ۸۲)

مطابق اخبار موجود در بازار شهر تنیس نیز عطاران دست‌فروش حضور گسترده‌ای داشته‌اند. (قبادیانی، ۱۳۸۱، ۵۱-۵۵) و در قلزم روغن فروشان در مکانهایی مخصوص به خود در فضای سرباز بازار به فعالیت می‌پرداختند. (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۹۷) بخشی از طبقه دست‌فروشان معمولاً از کشاورزانی به شمار می‌رفتند محصولات فصلی خود را به صورت اسکان موقت در بازار به مشتریان عرضه می‌کردند. بطوریکه مقدسی اشاره می‌کند که کشاورزان محصولی به نام جمیز را در بازار فسطاط برای فروش به مشتریان عرضه

می‌کردند. (مقدسی، ۱۴۱۱، ۲۰۴) علاوه بر بازارهای دائمی بیشترین حضور طبقه دست فروشان در بازارهای محلی بود که در روستاها پرپا می‌شد آنها محصولات روستایی را برای مصرف کنندگان عرضه می‌کردند. بطوریکه در بازار معروف روستای جیزه که یکشنبه هر هفته برگزار می‌شد اصناف و گروههای مختلف به عرضه محصولات خود می‌پرداختند. (مقریزی، بیتا: ۱، ۵۱۵).

۵,۶ صرافان

ماهیت تجاری و موقع ژئواستراتژیک مصر و شهرهای مهم اقتصادی آن همواره زمینه ساز مبادلات پولی و جابجایی نقد با ارزش و معیارهای مختلف را داشته است. وجود معادن مختلف طلا و نقره در مناطق مختلف مصر (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۲۲) و ضرب سکه های متعدد (مقریزی، بیتا: ۱۰۹-۱۱۰. بلاذری، ۱۴۰۴: ۳۱۷-۱۹) و به تبع آن رشد مناسبات پولی با اقصی نقاط باعث حضور طبقه ای از صرافان در بازارهای مصر شده بود. فعالیت عمده این صرافان پرداخت وام و تهیه اعتبار ضروری برای فعالیت اقتصادی بازاریان، صرافی بود. رونق فعالیت های تجاری در مصر عامل اصلی رشد آنها برای تأمین اعتبارهای کوتاه مدت و بلند مدت برای تجار بود. صرافان در بخشی از بازارهای مصر سکونت داشتند و به فعالیت می‌پرداختند. آنها علاوه بر تأمین اعتبارات برای تجار در سرمایه گذاری های تجاری هم شرکت داشتند بطوریکه در دوره طولونیان نماینده یک صرافی قدرتمند با شعبه هایی که در بازارهای مصر و عراق داشت به احمدبن طولون پیشنهاد مشارکت در صنعت کتان را می‌دهد. علاوه بر این نهاد، راه دیگری که برای دریافت وام در مصر رواج داشت دریافت وام یک تاجر از تاجر دیگری با سپردن یک رسید بود. (بلوی، بی تا: ۲۱۳) بطوریکه در دوره طولونیان احمد بن یوسف یکی از تجار معروف مصر برای گرفتن یک وام ضروری برای معامله به یک تاجر سرشناس مراجعه کرد. (ابن دایه، ۱۳۵۹: ۵۰-۵۵) هر چند اصناف حاضر در بازارهای مصر دارای قدرت زیاد و تشکیلات منسجمی بودند و به مواقع اعمال فشار مالی سنگین از سوی حاکمیت در مقابل آنها واکنش سختی نشان میدادند. اما اعتبار مالی آنها در مواردی در مواردی زیادی بسته به این بود که افرادی با اعتبار معنوی در بیرون از بازار بر اعتبار مالی آنها صحه بگذارند. و این تأیید اغلب از سوی شخصیت های مذهبی در دکانی مخصوص کتابت و گاه حتی در مسجد انجام می‌شد که این امر نشان دیگری از کارکرد مذهبی بازار را نشان می‌دهد. (سمعانی، ۱۳۹۵: ۱۵۶۱)

۷. نقش بازار در بروز بحران‌ها و شورش‌های اجتماعی

از مهم‌ترین نتایج اجتماعات عظیم مردمی در فضای اتصالی بازارها و با مساجد و اماکن دیدنی حضور مردم و بازاریان ناراضی از حکومت در شورش‌های اجتماعی بود که گستردگی فضای بازار در اتصال با مساجد و سایر اماکن این موقعیت را در اختیار شورشیان و بازاریان ناراضی از سیاستهای مالی حکومت قرار میداد که از منطقه وسیعی برای اجتماع از و ابراز نارضایتی از سیاستهای حکومت استفاده کنند. نقش بازار در شورشهای اجتماعی نشئت گرفته از مناسبات بین بازار و حکومت بود. که از چند جهت قابل بررسی است. والیان مسلمان از بدو ورود به مصر به علت آشنایی قبلی با سودهای حاصل از تجارت و بازرگانی با مقوله دادوستد آشنا بودند به همین علت ساخت و بنای بازارها در شهرهای مصر از اقدامات مهم و اولیه آنها به شمار می رفت. زیرا با فتح مصر و ورود قبایل و اقوام مختلفی از قبایل غرب و غیر عرب به مصر (ابن دقماق، بیتا: ۱۰۳) که در طی قرون اولیه اسلامی تداوم داشت. نیاز به ایجاد بازار برای دادوستد آنها که مردمی تجارت پیشه بودند ضرورت یافت، برای همین والیان با ایجاد بازارهایی در مصر علاوه بر تأثیرگذاری در رشد اقتصادی بازارها، از طریق اجاره آنها به تجار و پیشه‌وران از سود اقتصادی زیادی بهره‌مند می شدند. بطوریکه ایجاد بازارهایی مانند بازار آرد فروشان و بازار وردان در شهر فسطاط توسط عمرو بن عاص در همین راستا بود. (سیوطی، ۱۲۹۹: ۷۹) و هم چنین ابوعمون والی عباسی مصر بازارهای پررونقی در شهر جدید عسکر در مجاورت فسطاط ایجاد کرد. (ابن تغری بردی، بیتا، ۳۲۳) مهم‌تری والیان مصر در این راستا طولونیان بودند. احمد بن طولون والی طولونی علاوه بر این که بازارهایی در محله جدید قطایع در فسطاط ایجاد کرد، (سیوطی، ۱۲۹۹: ۲۷) با ایجاد دکان‌ها و قهوه‌خانه‌هایی در بازار شهر تیس علاوه بر تأثیرگذاری بر رونق اقتصادی این بازار، فضای بازار را نیز گسترش داد. (حموی، ۱۹۹۵: ۵۰-۵۲) و از طرف دیگر والیان خود با مشارکت در تجارت و بازرگانی در بخش مهمی از سود اقتصادی بازار سهیم می شدند. عمرو بن عاص یکی از والیانی بود که از که با سیاست‌هایی مانند حفر خلیج امیرالمؤمنین در شهر فسطاط راه ورود تجار را از حجاز به بازارهای مصر هموار کرد. (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰: ۱۶۱-۲) والیان طولونی نیز از جمله والیانی بودند که با مشارکت در تجارت و بازرگانی سود زیادی را از بازار اقتصاد مصر کسب می کردند. علاوه بر والیان برخی از منصب داران حکومتی نیز با مشارکت در تجارت و بازرگانی بخشی از فضای بازار را اشغال کرده بودند. بطوریکه یوسف بن ابراهیم

و پسرش احمد بن یوسف که مناصبی را در دولت والیان طولونی کسب کرده بودند. با مشارکت در تجارت پارچه و کسب سود از این طریق سود زیادی را به دست آورده بودند. (ابن دایه، ۱۳۵۹: ۳۷ و ۴۱) طریق دیگری که سود زیادی را از تجارت بازار نصیب والیان می کرد، گرفتن مالیات جنسی از مشمولان مالیات و ذخیره آن در انبارهای حکومتی بود. بطوریکه آنها با فروش این کالاها که در بازار انبار شده بود آنها به همین علت انبارهایی را برای ذخیره کالاها خود برای دادوستد در حوالی بازارها ایجاد کرده بودند. وجود انبارهای ذخیره در دوره طولونیان مؤید این مطلب است. (مسکویه الرازی، ۱۳۷۹: ۱، ۴۹-۴۴) مورد دیگری که باز سود زیادی نصیب والیان و منصب داران حکومتی میکرد دریافت وام از تجار بزرگ ساکن در بازارها بود. بطوریکه احمد بن یوسف که خود از منصب داران حکومتی بود. وامی را برای یکی از منصب داران خراج تهیه کرد. (ابن دایه، ۱۳۵۹: ۵۵-۵۰) و امر دیگر باز نشان دهنده نگاه سود جویانه حاکمیت به بازار بود دریافت مالیات مکس بود که از تجار و پیشه وران مقیم در بازارها دریافت می کرد. (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۲۰۸) بطوریکه عمرو بن عاص با ایجاد کانال امیرالمؤمنین در فسطاط و هموار کردن راه ورود تجار به مصر، مالیاتهای زیادی که عوارض گمرکی بود از کشتی های تجاری کسب کرد. (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰: ۱۶۱-۲) بنابراین مجموع این عوامل سبب نارضایتی بازاریان نسبت به سیاست های حکومتیان در قبال بازار شده بود. زیرا والیان از یک طرف اجاره سنگینی از بازاریان و پیشه وران در قبال اجاره دکانهای بازار دریافت میکردند و از طرف دیگر آنها با مشارکت در سود حاصله از تجارت و بازرگانی به نوعی رقیب تجار و بازرگانان قلمداد می شدند. و از طرف دیگر دریافت های مالیاتهای اضافی از سوی صاحب منصبان مالی که گاهی اوقات خارج از قاعده و قانون خود بود نارضایتی بیشتر بازاریان را فراهم میکرد. و در نتیجه مسبب شورشهای بازاریان علیه والیان میشد. نمونه های بارز آن در دوره امویان، دوره والی گری عبدالملک بن رفاعد بر مصر (۹۹-۹۶ق) بود و به علت سخت گیری اسامه بن زید تنوخی مسئول خراج بر مردم و بازاریان شورش مردم باعث عزل او شد (کندی، ۱۹۵۸: ۵۷) و مورد دیگری که در دوره عباسیان پیش آمد و در نتیجه باعث شورش بازاریان شد در گزارش مقریزی شرح داده شده است. در این رابطه مقریزی می نویسد

وقتی موسی بن مصعب از اهل موصل در سال ۱۶۷ه.ق از سوی مهدی والی نماز و خراج مصر گردید در اخذ خراج سخت گیری نشان داد. او میزان خراج را دوبرابر کرد

و در صدور احکام خود را به رشوه آلودهم چنین موسی بن موصعب خراجی را براهل بازار و نیز چهارپایان تعیین کرد از این رو سپاهیان از او ناراضی شدند و او را طرد کردند اهالی قیس و یمامه دست به شورش زدند و به مردم فسطاط نامه نوشتند و اهل فسطاط را با خود همگام ساختند در نتیجه مهدی موسی بن مصعب را عزل نمود و عسامه بن عمر را به جای وی منصوب کرد (مقریزی، بی‌تا: ۲، ۱۰۸)

و چنانچه ذکر شد عزل چنین افراد سختگیری از مسئولیت مالی مصر بی ارتباط با تشکیلات صنفی قوی در درون بازار نبود.

۸. نتیجه‌گیری

یکی از ویژگیهای اصلی بازار در شهرهای اسلامی علاوه بر نقش اقتصادی داشتن کارویژه‌های اجتماعی و مذهبی نیز می باشد. بنابراین بازارهای شهرهای مختلف مصر نیز به خصوص بعد از اسلام دارای چنین خصوصیتی بودند. و این مسئله در درجه اول برمی گردد به موقعیت مکانی شکل گیری این بازارها، بطوری که بنای بازار در کنار مساجد و به خصوص مساجد جامع رابطه عمیقی بین بازار و مسجد ایجاد می کرد و از دل این رابطه بود که بازار علاوه بر نقش اقتصادی نقشهای مهم اجتماعی و مذهبی نیز در جامعه ایفا می کرد. بطوریکه از فضای گسترده بازارها در جشن های ملی و مذهبی استفاده می شد. و هم چنین مجالس قرآن خوانی که در محوطه برخی از بازارها برگزار میشد. کارکرد مذهبی - فرهنگی بازار را بیشتر نمایان میساخت در این بین فضای گسترده بازار در پیوستگی با مساجد جامع بزرگترین کارکرد مذهبی - اجتماعی آن را به نمایش میگذاشت. زیرا که به هنگام برگزاری نمازهای جماعت و به خصوص نماز جمعه تمامی دکانها بسته میشد و به علت گستردگی و استقبال از نمازهای جماعت مکان این مساجد برای چنین جمعیت گسترده ای بسیار کوچک می نمود به همین علت از فضای بازار برای اقامه نمازهای جماعت و جمعه استفاده می شد. کارکرد اجتماعی دیگر این بازارها در بروز طبقات اجتماعی درون بازاری که نشئت گرفته از رونق تجاری و اقتصادی مصر بود انجام یافته بود. در این دوره ما شاهد شکل گیری اصناف قدرتمند و متنوع در درون بازارها هستیم. صنف تجار، پیشه وران، صرافان، دست فروشان و ... از اصناف مؤثر و قدرتمند بازارهای مصر به شمار می رفتند که هر کدام در گوشه ای از این بازارها حضور داشتند و به فعالیت تجاری و صنفی مشغول بودند. بخش دیگری از کارکرد اجتماعی بازار در

شورش های اجتماعی نمایان می شد که نشئت گرفته از دخالت و مشارکت حکومت در امور بازار به صورت سهم خواهی از سود های بازار بود. در این فرایند فضای گسترده بازار و در کنار آن تشکیلات منسجم اصناف قدرت چانه زنی زیادی در برابر ویلان وقت در اختیار بازار و بازاریان قرار می داد چنانچه وقتی دستگاه خلافت افراد سختگیری را به منصب مالی شهرها انتخاب می کردند و آنها با اعمال سیاستهای ظالمانه بازاریان و اصناف را ناراضی می کردند. بازاریان نسبت به این امر واکنش نشان میدادند که در نهایت دستگاه خلافت با تعویض مأموران مالیاتی در برابر خواسته های بازاریان عقب نشینی می کرد.

کتابنامه

- ابن تغری بردی، (بی تا) جمال الدین ابی المحاسن یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، مصر، وزارت الثقافه و الارشاد.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، (۱۸۸۹) *المسالک والممالک*، بیروت، دارصار.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، (۱۸۸۹) *المسالک والممالک*، بیروت، دارصار.
- ابن دایه، احمد بن یوسف الکاتب، (۱۳۵۹) *المکافاه و حسن العقبی*، به کوشش محمود محمدشاکر، قاهره، مکتبه الاستقامه.
- ابن دقماق، ابراهیم بن محمد بن ایدم العلابی، (بی تا) *الانتصار لواسطه عقدا لامصار*، بیروت، دارالافاق الجدیده.
- ابن رسته، ابو علی احمد بن عمر، (۱۳۶۵) *«العلاق النقیسه و بلیه کتاب البلدان»*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر.
- ابن زولاق، حسن بن ابراهیم، (بی تا)، *فضایل مصر و اخبارها*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه.
- ابن عبدالحکم، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله، (۱۹۲۰)، *فتوح المصر و اخبارها*، لیدن.
- ابوالفداء، (۱۳۹۲) *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالعلی بیرجندی، تهران، سفیراردهال.
- اجتهادی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳) *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین*، تهران، سروش.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (۲۰۰۴) *المسالک والممالک*، بیروت، دارصار.
- بلاذری، احمد بن محمد بن یحیی، (۱۴۰۴) *فتوح البلدان*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بلوی، ابو محمد عبدالله بن محمد، (بی تا)، *سیره ابن طولون*، به کوشش محمد کردعلی، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۰) *«الآثار الباقیه عن قرون الخالیه»*، تحقیق و تعلیق، پرویز اذکائی، تهران، میراث مکتوب.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر، (۱۳۸۵)، *الحوان*، بیروت، دارالکتب العلمیه

- سمعاني، عبدالكريم (١٣٩٥)، *الاتحبير في معجم الكبير*، بغداد، دارالاقواف.
- سيوطي، جلال الدين، (١٢٩٩)، *حسن المحاضره في اخبار مصر والقاهره*، مصر، مطبعه اداره الوطن.
- عبدالله السلومي، عبدالعزيز، (١٤٠٥) *ديوان الجند، نشأته و تطوره في الدوله الاسلاميه حتى عصر المأمون*، قبادياني مروزي، ناصر خسرو، (١٣٨١) *سفرنامه*، تهران، انتشارات زوار.
- كندي، محمد بن يوسف، (١٩٥٨) *تاريخ ولاء وقصات*، بيروت، موسسه الكتب الثقافيه، مسعودي، ابوالحسن على بن حسين، (١٩٦٥)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بيروت، دارالاندلس، الطبعة الاولى.
- مسكويه الرازي، ابو على، (١٣٧٩) *تجارب الامم*، تهران، سروش.
- مقدسي، ابو عبدالله محمد بن احمد، (١٤١١)، *احسن التقاسيم في معرفه الاقاليم*، قاهره، مكتبه المدبولي.
- مقرزي، تقى الدين ابى العباس احمد بن على، (بى تا) *لمواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار*، قاهره، مكتبه الثقافه الدينيه.
- ياقوت حموي، ابو عبدالله، (١٩٩٥)، *معجم البلدان*، بيروت، دارصار.
- يعقوبي، احمد بن ابى يعقوب بن جعفر بن الواضح، (١٤٢٢) *البلدان*، بيروت، دارالكتب العلميه.